



بولتن کارگری

شماره دو

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

هشت مارس و مبارزه برای طلبانه زنان و مردان دوش به دوش هم!

در میان جدل آلترناتیوهای مختلف آلترناتیو ما جنبش شورایی ست!

هشت مارس روز جهانی زن را در پیش
داریم. ما این روز را به همه زنان آزاده
ایران و جهان، صمیمانه تبریک می‌گوییم!

از نظر تاریخی شوراهای (سوییت‌ها) در روسیه در سال‌های 1905 و 1917، در آلمان و مجارستان در سال‌های 1918 و 1919 و 1920 و یا شوراهای در چین در سال‌های 1924 تا 1927، در ایران در مقطع انقلاب 1979 و ... به وجود آمدند. مهم‌تر از همه اولین انقلاب کارگری، یعنی کمون پاریس نشان داد که بهترین شکل هدایت جامعه به‌شکل شورایی و دخالت تمامی مردم در حیات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... است. متأسفانه درس‌های انقلاب کمون کماکان برای بخش وسیعی از نیروها به یک درک و روش مبارزه، سازمان‌یابی و هدایت جامعه، هنوز جا نیفتاده است. متأسفانه بعد از انقلاب کمون و آرایش شورایی سازمان، سازمان‌دهی شورایی الگو سازمان‌ها و احزاب نشد، بلکه سازمان‌دهی دولت‌های حاکم و سازمان‌های بورژوازی الگو قرار گرفت که با چاشنی از خود گذشته‌گی و پسوند انقلابی سعی در تمایز سازمان چپ، سوسیالیست و کمونیست با سازمان و سازمان‌دهی بورژوازی به‌کار گرفته شد. در عمل به وضوح می‌توان دید که آرایش پارلماناریستی در میان احزاب چپ چه انقلابی و چه غیر انقلابی غالب است، که سعی در قوی شدن و افزایش عضو و رای قدرت دولتی را به‌دست گیرند تا به‌درک خود شرایط را بهبود دهند.

اکثریت سازمان‌ها و احزاب درک‌شان از شورا در بهترین حالت سازمان زمان انقلاب است، فعلاً با ابزارهای دیگر نیرو جمع می‌کنند تا زمانی که انقلاب شد، و اگر زمان اجازه داد، کوشش می‌کنند، شورا را بسازند. برخی از نیروها نقش شوراهای را صرفاً اعتراض به سرمایه‌داران و تلاش برای تحمیل شرایط به‌منظور فروش بهتر نیروی کار می‌دانند چنین دیدگاهی جز تقلیل نقش شوراها هم در جنبش کارگری و هم در جامعه نیست.

ادامه در ص 4



آنچه در ادامه خیزش عظیم مردمی دی ماه 1396، یعنی ده روزی که ایران را لرزاند در ادامه آن، اقدام شجاعانه دختران خیابان انقلاب بود. این اقدامات شجاعانه و تحسین‌برانگیز زنان با همه هزینه دردناکی که تا حال از خود به‌جا گذاشته، رودررویی با سرکوب سیستماتیک زنان، حجاب و برابری طلبی حقوق زنان با مردان در پهنه جامعه ما را ثمر بخش‌تر بوده است.

ادامه در ص 3



زنده باد جنبش کارگری

اهداف کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد با هدف آشنایی، معرفی و جلب پشتیبانی از جنبش کارگری ایران و سوئد تشکیل شده است. رساندن اخبار و مبارزات جنبش کارگری به سازمان‌ها و نهادهای کارگری به‌طور روتین از وظائف کمیته می‌باشد. قوی کردن همبستگی کارگری و شرکت فعال در مبارزات کارگری نیز از اهداف کمیته است.



شکل کار

- *انتشار نشریه به زبان‌های فارسی و سوئدی، استفاده از ابزارهای تبلیغاتی عمومی
- *شرکت و سازماندهی جلسات کارگری
- *تماس با فعالین، نهادها و سازمان‌های کارگری
- *سازماندهی کلاس‌های آموزشی
- *برگزاری جشن‌ها و شب‌های همبستگی
- *شرکت در مراسم اول ماه مه و هشت مارس
- *تشکیل گروه‌های کاری برای پیشبرد طرح‌ها و پروژه‌های مختلف در مورد وضعیت زنان کارگر و برنامه‌های ویژه
- *برای جوانان و نو جوانان و غیره
- *جلب پشتیبانی از مبارزات کارگری و شرکت فعال در مراسم و مبارزات کارگری در سوئد
- *برگزاری کمپین‌های اعتراضی و قرفه‌های اطلاعاتی

آئین‌نامه

- *همه افراد موافق اهداف کمیته بدون توجه به ملیت، جنسیت، مذهب می‌توانند عضو کمیته شوند.
- *اعضا از حقوق کامل و برابر در تمامی سطوح کاری کمیته برخوردارند.
- *اعضا حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در تمامی سطوح کمیته را دارا می‌باشند.
- *پذیرش مسئولیت در کمیته داوطلبانه است.
- *مجمع عمومی بالاترین ارگان کمیته بوده که هر ۶ ماه یکبار تشکیل می‌شود.
- *تمامی مسئولین در مجمع عمومی توسط اکثریت اعضا انتخاب شده و نیز با خواست اکثریت اعضا قابل عزل می‌باشند.
- *مسئولیت‌ها در کمیته دوره‌ای است.
- *اهداف، شکل کار و آئین‌نامه و امور مالی کمیته در مجمع عمومی بحث، تغییر و تصویب می‌گردد.
- *مجمع عمومی با نصف + ۱ اعضا رسمیت داشته و تمامی تصمیمات نیز حداقل با رای ۳/۲ اعضا حاضر در مجمع تصویب می‌گردد.
- *حق عضویت ماهیانه ۵۰ کرون سوئد می‌باشد.
- *مجمع عمومی هیئتی را برای هماهنگی فعالیت‌ها انتخاب می‌نماید.
- *مجمع عمومی فوق‌العاده توسط نصف + ۱ اعضا فراخوانده می‌شود.
- *فراخوان مجمع عمومی یک ماه قبل به اطلاع همه اعضا می‌بایست رسیده باشد.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

isask@comhem.se

IRANSK – SVENSKA ARBETAR SOLIDARITETS KOMMITTÉN

هشت مارس و مبارزه برابری طلبانه ...

اکنون 40 سال از 17 اسفند 1357 می‌گذرد. روزی که زنان کشور جامعه‌مان، با شعار «نه روسری، نه توسری»، «آزادی زن نه شرقی، نه غربی، جهانیست»، «ما انقلاب نکردیم، تا به عقب برگردیم» به‌خیابان ریختند دست به اعتراض و راه‌پیمایی زدند تا خطرات حکومت اسلامی تازه به قدرت رسیده را به جامعه هشدار دهند. آن‌هم در شرایطی که تنها یک ماه از پیروزی انقلاب بهمن 57 گذشته است.

در واقع زنان جامعه ایران، نخستین شهروندانی بودند که زیر پرچم دروغین «استقلال و عدالت اجتماعی» و «امام ضدامپریالیست»، حکومت اسلامی نرفتنند.

اگر بخشی از چپ آن دوران جامعه ما، توجه جدی به اعتراضات زنان نشان ندادند، تنها مسنله این نبود، بلکه حزب بزرگ چپ و مطرح و با سابقه آن دوران، حزب توده و طرفداران آن بود که با تمام قدرت پشت حکومت اسلامی رفت و حتی بخشی از رهبری چریک فدایی خلق را نیز به سوی اهداف و سیاست‌های سازشکارانه خود کشاند. در حالی که سازمان‌های چپ

آن دوران، تن به سازش با حکومت تازه به قدرت رسیده اسلامی ندادند. نباید فراموش کرد که از ابتدای مبارزه با تبعیضات و نابرابری‌ها، جنبش و جنبش سوسیالیستی و کمونیستی در ایران و در سراسر جهان، نقش کمابیش مهمی را در مبارزه برای احقاق حقوق زنان ایفا کرده‌اند. جنبش زنان در مقابله با تبعیض و ستم و سرکوب سیستم ستمگر سرمایه‌داری، با تمام قدرت مبارزه کرده است.

در ایران، زنان کارگر در بخش‌های مختلف صنایع،

تولیدی، خدماتی، کارخانگی، پرستاران، معلمان، بخش‌های مختلف کارمندی و... عموماً هم از کارفرمایان و هم حاکمیت ناراضی هستند. از جمله به عدم حق‌الزمه معلمان حق‌التدریس در سراسر کشور، عدم استخدام آنان؛ بازنشستگان برای افزایش دستمزد، مبارزه برای به‌دست آوردن مزایای رفاهی، کاستن از سختی کار و جلوگیری از اخراج، ایجاد صندوق‌های تعاونی و هم‌یاری؛ برگزاری مراسم هشت مارس، مراسم اول ماه مه؛ تلاش برای تصویب طرح بازنشستگی پیش از موعد زنان کارگر؛ تلاش زنان برای به‌دست آوردن امکانات ورزشی؛ بیکارسازی‌های گسترده؛ نیمه کاری و کشاندن زنان به درون خانه، تهیه طومارهای گوناگون برای رسیدگی به مسائل و مشکلات مختلف و حضور در تظاهرات‌های اعتراضی و...، دست از کار بکشند!

معاون رییس جمهوری در امور زنان و خانواده، اقرار کرده است که اشتغال زنان ناپایدارتر از مردان است. وضعیت کارگران و کارگاه‌های کوچک نیز بسیار فاجعه‌بارتر است چون که آن‌ها از شمول قانون کار خارج هستند و هیچ‌گونه کنترلی بر ساعات کار و دستمزد آن‌ها وجود ندارد.

وضعیت زنان کارگر در طول تاریخ در ایران، به این شکل اسفناک بوده است. زنان کارگر اولین شهروندانی هستند که همواره با قوانین و مصوبه‌های دولتی آسیب می‌بینند. اغلب زنان کارگر در ایران، به مشاغل خانگی مشغولند و در کارگاه‌های کوچک کار می‌کنند که هیچ‌گونه نظارتی حتی نظارت وزارت کار بر آن‌ها وجود ندارد.

زنان به‌شکل رسمی کارگر تلقی نمی‌شوند. برای همین هم در جاهایی که زن‌ها را به کار می‌گیرند، هیچ قانونی و نظارتی وجود ندارد و بیش از پیش وضعیت کارگرها چه از نظر سطح کار و چه بیمه‌های اجتماعی و سطح حقوق همین سطح تعریف شده، اسفناک است.

شاید همین عوامل سبب شده که سال‌ها است در بررسی آمار تعداد زنان کارگر به آمار پنج درصد آمار کل کارگران ایران می‌رسیم. این آمار رسمی است و آن‌هایی که تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی و بیمه بازنشستگی قرار دارند جزو این پنج درصد هستند. اغلب زنان کارگر که در مشاغل خانگی و در کارگاه‌های کوچک کار می‌کنند هیچ‌گونه تامین اجتماعی ندارند و از بیمه‌های درمانی، بیمه بازنشستگی و بیمه بیکاری برخوردار نیستند و روزبه‌روز وضعیت‌شان بدتر می‌شود و بر تعدادشان افزوده می‌شود.

زن کارگر ایرانی، از تبعیضاتی که علیه زنان وجود دارد رنج می‌برد؛ مثلاً حتی اگر زنی در شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که قوانین حاکم است و نظارت قانونی هم درست انجام می‌شود، کار کند هم در مورد حق بیمه و حمایت آن دچار تبعیض است. حق بیمه همراه از حقوق کارگر کم می‌شود، چه زن و چه مرد. ولی آن شرط امنیتی و حمایت‌هایی که تامین اجتماعی دارد میان زن‌ها و مردها متفاوت است و زن‌ها همه چیز را باید اثبات کنند. بعد از فوت‌شان به فرزندان‌شان حقوقی داده نمی‌شود. یک سری چنین تناقض‌هایی در قوانین هست.

مهم‌ترین تبعیضی که علیه زنان کارگر در ایران وجود دارد، بحث دستمزد نابرابر است. گزارش‌های بسیاری در خبرگزاری‌های رسمی، حاکی از این است که زنان کارگر در مشاغل برابر با کارگران مرد، حقوق مساوی دریافت نمی‌کنند. این امر فشار مضاعفی می‌آورد چون شمار قابل توجهی از این زنان سرپرست خانوار هستند.

در دوران اکبر هاشمی رفسنجانی و بعد محمد خاتمی کارگاه‌های زیر پنج و ده کارگر از شمول قانون کار حذف شدند. یعنی شامل افزایش حقوق، حداقل دستمزد و بیمه و نمی‌شوند. می‌توانیم از جمله به گزارش خبرگزاری مهر اشاره کنیم که می‌گوید در کارگاه‌های کوچک دستمزدها حتی زیر 500 هزار تومان است. به این ترتیب می‌توان فشاری را که بر کارگران زن می‌آید حس کرد.

بخش بزرگی از این کارگاه‌ها مانند خیاطی و یا قالیبافی، کارگاه‌هایی هستند که زنان آن‌جا کار می‌کنند. مورد دیگر کارگرانی هستند که با قرارداد موقت کار می‌کنند. البته این‌جا دیگر فقط کارگران زن نیستند. کارگران مرد هم هستند. چون بر اساس آمار حداقل 93 درصد کارگران ایران با قرارداد موقت کار می‌کنند.

گزارش‌های متعددی وجود دارد در رسانه‌های ایران مبنی بر این‌که کارگران زن چون دستمزد کمتر به آن‌ها پرداخت می‌شود، از شمول قانون کار در کارگاه‌های زیر ده نفر محروم‌اند. از سوی

دیگر، چون زنان با دستمزد کمتری حاضر به کار هستند، کارفرما آن‌ها را ترجیح می‌دهد.

به‌ر حال مشکلات گسترده‌ای برای زنان کارگر وجود دارد. از سوی دیگر، بحث خانواده زنان کارگر و دخالت آن‌ها در فعالیت‌های کارگری آنان وجود دارد. آن فعال کارگری چه زن و چه مرد دستگیری زو زندانی می‌شود نهاد‌های امنیتی حکومت اسلامی، سعی می‌کنند آن خانواده پریشان و دچار بحران سازند تا اجباراً از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی دور شوند.

زنان کارگری که اکثراً سرپرست خانواده نیز بودند و هستند و مسنولیت و انجام کار در بیرون خانه و در درون خانه را به‌عهده دارند، همواره تحت فشار کار بوده‌اند به‌طوری که بسیاری مواقع کار را طاقت‌فرسا می‌دانند.

در حالی که اموال عمومی جامعه ما، توسط مافیای قدرت، آفازده‌ها، آیت‌الله‌ها، نهادهای مختلف حاکمیت، فرماندهان سپاه، بسیج، نیروی انتظامی، ارتش، و کارفرمایان و سرمایه‌داران و... غارت می‌گردد فشار بر روز زنان کارگر و خانه‌دار بیش از همه است. زنان از حداقل حقوق قانونی خود محروم‌اند. بخش زیادی از این کارگران غیررسمی را مهاجران به‌ویژه افغان تشکیل می‌دهند که آسیب‌پذیرتر هستند. زنان همواره در صف مقدم بیکار سازی‌ها قرار دارند. زنان شاغل در بخش رسمی نیز با عدم امنیت شغلی، نظارت‌های نفس‌گیر بر پوشش و رفتار خود، محدود کردن خدمات عمومی؛ مانند مهد کودک پس از بارداری و موانع غیرقابل عبور بر سر راه پیشرفت شغلی زنان در بخش‌های مدیریت شهری چشمگیر است. گذشتن از این همه موانع متعدد، کار دشواری است.

حاصل کلام این‌که؛ تحقق آزادی، برابری، دموکراسی مستقیم شورایی و آزاد در ایران، بدون آزادی زن در خانه و جامعه و حضور فعال آن‌ها در صف مقدم مبارزات، برچیدن کلیت بساط حکومت جهل و جنایت و زن‌ستیز و آزادی‌ستیز اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد، برابری، علانته و مرفه و خولمدیر است!

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوند

از اعتصاب زندانیان سیاسی ترکیه در زندان‌های این کشور دفاع کرده و خواهان آزادی فوری همگی آن‌ها هستیم!

دولت ترکیه و در رأس آن رجب طیب اردوغان رییس جمهوری این کشور، به شدت جنبش‌های سیاسی - اجتماعی، مردم کرد و سایر مردم تحت ستم این کشور، روزنامه‌نگاران، فعالین سیاسی مخالف را شدیداً سرکوب می‌کند و همواره به کردستان سوریه و عراق و مردم کردستان ترکیه حمله می‌کند. روزی نیست که خبر دستگیری مخالفین توسط پلیس ترکیه در رسانه‌ها اعلام نشود اکنون زندان‌های ترکیه پر از زندانیان سیاسی و روزنامه‌نگاران و حتی نمایندگان پارلمان است.

اردوغان هر روز ادعا می‌کند که به روزآوا حمله خواهد کرد و ارتش این کشور از سال گذشته، کانتون عفرین در روزآوا به اشغال نظامی خود درآورده و گروه‌های مسلح طرفدار خود در جنگ داخلی سوریه را در آنجا مستقر کرده است. اردوغان هر روز تهدید می‌کند که حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) را نابود خواهد کرد و در بمباران‌های پی‌درپی مقرها این حزب در کردستان عراق و کوه‌های قندیل، روستاهای این منطقه را نیز بمباران کرده و مردم بی‌گناه را می‌کشد.

بسیست سال است که عبدالله اوچالان رهبر سابق پ.ک.ک و چهره محبوب مردم کرد و سایر خلق‌های آزادی‌خواه منطقه را در زندان امرالی در زیر شکنجه‌های روانی و جسمی قرار داده است. در سه سال اخیر، تمام ملاقات‌های اوچالان با خانواده و وکلایش را قطع کرده‌اند تا این که اخیراً در اثر فشار افکار عمومی و اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و حامیان آن‌ها در کشورهای مختلف جهان، دولت ترکیه مجبور شد ملاقاتی به خانواده‌اش بدهد. اما قویبه قضاییه ترکیه، همچنان از ملاقات وکلای اوچالان جلوگیری می‌کند. در حالی که طبق قوانین ترکیه، هر زندانی حق دارد با خانواده و وکلایش ملاقات داشته باشد.

متأسفانه سازمان ملل و دولت‌های غربی در این مورد سکوت کرده‌اند و به این اشغال‌گری و تجاوزگری و جنگی دولت ترکیه و نقض روزانه حقوق بشر در این کشور، اعتراض جدی نمی‌کنند.



چند روز پیش دادگاه حقوق بشر اروپا در مورد مقاومت جزیر شمال کردستان حکم خود را صادر کرد. 137 کردستانی در شهر جزیر کردستان ترکیه، زنده در زیرزمین‌های وحشت به آتش کشیده شدند. چنین قتل‌عامی یک جنایت آشکار علیه بشریت است. اما با این وجود، دادگاه حقوق بشر اروپا، مدعی است که «هنوز پیگیری حقوقی پرونده در ترکیه به پایان نرسیده است» و شکایت حامیان مردم کرد را رد کرده است.

در حالی که 14 کردستانی حدود 60 روز است که در مقابل ساختمان کمیته منع شکنجه اروپا در استراسبورگ دست به اعتصاب غذا زده‌اند اما هنوز عکس‌العملی از سوی نهادهای بین‌المللی و شورای اروپا ندیده‌اند. این انسان‌ها و همچنین در زندان‌های ترکیه و سایر کشورها با اراده آزاد خویش دست به مقاومت زده‌اند و خواهان رفع حصر از اوچالان هستند. تعداد اعتصاب‌کنندگان در زندان‌های ترکیه به بیش از 300 نفر رسیده و اعتصاب آن‌ها وارد 57مین روز شده است. روشن است که اعتصاب غذا در زندان‌ها، برای زندانیان کار آسانی نیست.

لیلا گوون رییس مشترک کنگره جامعه دموکراتیک و نماینده پارلمان ترکیه از حزب دموکراتیک خلق‌ها است که سال گذشته زندانی شد و پس از اعتصاب غذا و رو به واخومت گذاشتن حال وی، آزاد شده است اما همچنان به مقاومت و مبارزه خود ادامه می‌دهد. گوون ظهر روز چهارشنبه 13 فوریه 2019، پس از انتقال به بیمارستان در 98 مین روز اعتصاب غذا

نامحدود اعلام کرد که درمان را نمی‌پذیرد. گوون اعلام کرده است که تا رفع حصر از عبدالله اوچالان به اعتصاب غذای خود ادامه خواهد داد.

مسلم‌ها عامل همه این وقایع و هر اتفاقی برای لیلا گوون و سایر زندانیان سیاسی در حال اعتصاب غذا در زندان‌های ترکیه که خواهان رفع حصر از عبدالله اوچالان هستند شخص رجب طیب اردوغان رییس جمهوری ترکیه است!

ما از هرگونه اعتراض و اعتصاب و مقاومت عادلانه و بر حق لیلا گوون و سایر زندانیان سیاسی ترکیه و همچنین حامیان آن‌ها در سطح بین‌المللی، قاطعانه دفاع می‌کنیم و با محکوم کردن اعمال و سیاسی‌های غیرانسانی دولت ترکیه و اردوغان، خواهان آزادی عبدالله اوچالان و سایر زندانیان سیاسی از زندان‌های ترکیه هستیم.

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد
14 فوریه 2019

در میان جدل‌های سیاسی و جدل آلترناتیوها...

نگرشی که شورا را نیز مانند سایر جنبش‌های و خیزش‌های مردمی، سکویی برای رسیدن حزب و یا احزاب به قدرت می‌دانند. اتفاقی که پس از پیروزی انقلاب 1917 روسیه روی داد و حزب بلشویک به جای شوراهای طبقه کارگر به قدرت رسید. البته دولت این حزب، همواره خود را دولت پرولتری نامید.

نقش شورا برانداختن قدرت سیاسی سرمایه‌داری، برقراری خودمدریتهی کارگری و مردمی است. نقش کمیته کارخانه و محل کار، مدیریت تولید در کارخانه و دیگر محیط‌های کار است. به عبارت دیگر، بر کناری سرمایه‌داران و کارفرمایان و مدیران منصوب آن‌ها و اداره تولید توسط شوراهای منتخب مزدبگیران در محیط کار، یعنی اداره مستقیم تولید توسط مولدان آن.

شورا یعنی دخالت، نقش و امکان تاثیرگذاری همگان در حیات زندگی؛ قرار است که شهروندان خود قانون‌گذار و خود مجری آن باشند.

شورا یک روش و درک از زندگی، سازمان‌دهی، مبارزه و هدایت جامعه است. جامعه‌ای را باید ساخت که همه شهروندان از نیازهای زندگی، مسکن، بهداشت، درمان، آموزش، تفریح، اوقات فراغت، تامین معیشت و امکان رشد و شکوفایی برخوردار باشند. قرار است که همگان در حیات پیشروی و رشد جامعه با توجه به امکانات شرکت کنند و نیز از نعمات آن نیز برخوردار شوند.

همه حق انتخاب کردن و شدن در هدایت و مدیریت جامعه داشته باشند و نمایندگان نه به‌عنوان رهبران و لیدرها و ... بلکه هماهنگ‌کنندگان تصمیمات کل جامعه باشند و نیز جوابگو به جمع باشند.

تشکل محلی و سراسری مورد توجه کارگران و همه مزدبگیران است و ضرورت آن را به‌خوبی می‌دانند. تجربه چند دهه گذشته نشان داده است که اگر کارگران تشکل سراسری خود را به‌وجود نیاورند و یک پارچه و متحد حرکت نکنند در وضع کنونی و با توازن قوای فعلی، سرکوب می‌شوند. تجارب تاکتونی عملاً نشان داده‌اند که اعتراض‌ها، اعتصاب‌ها و راهپیمایی‌های پراکنده و تشکل‌های محلی و محدود تا به امروز پاسخگو نبوده‌اند.

مطالبات کارگران در چهار دهه اخیر حاکمیت جمهوری سرمایه‌داری اسلامی، از حق آزادی تشکل، بیان، حق اعتصاب و اعتراض، دستمزدهای زیر خط فقر، مقابله با کار کودکان و خیابان و تامین زندگی آن‌ها، مقابله با فقر، بیکاری، گرانی، بیمه بیکاری برای همگان، بهداشت و آموزش رایگان، رفع هرگونه تبعیض جنسی، عقیدتی و ملی از جمله مطالباتی هستند که با مبارزه پیگیر و متحدانه حول آن‌ها می‌تواند توازن قوا را به‌نفع طبقه کارگر و متحدانش در جامعه تغییر دهد. این مبارزه یک مبارزه واقعی در سطح کل جامعه است و می‌تواند جنبش کارگری و متحدانش، را هم تقویت کند و هم در یک صفت واحد متحد نماید.

ما بار دیگر بر ضرورت طرح جنبش شورایی به‌عنوان آلترناتیو آینده برای مدیریت کل جامعه و همچنین برای ایجاد تشکل سراسری کارگران در این دوره حساس تاکید می‌کنیم و از همه کسانی که خود را متعلق به جنبش شورایی و مدیریت شورایی طبقه کارگر ایران و سایر جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی می‌دانند دعوت می‌کنیم که از هر طریق ممکن که می‌توانند در تبلیغ و ترویج شوراهای کارگری و مردمی بکوشند!

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

درخواست کارگران هفت‌تپه برای ثبت شکایت در سازمان جهانی کار

تشکل، اعتراض، اعتراض، تجمع و آزادی بیان و عقیده، و اقدام مکرر در شکنجه و آزار و اذیت آقایان اسماعیل بخشی و علی نجاتی و نیز خانم سپیده قلیان و نیز حامیان کارگری مانند آقایان محمدی‌فر، امیر قلی و خانم ساناز الهیاری که از مطالبات ما کارگران هفت‌تپه دفاع کرده‌اند.

از تمامی فعالین کارگری، حقوق بشری و رسانه‌ها تقاضا داریم که ضمن ترجمه این شکایت نامه، آن را در نهادهای ذی‌ربط ثبت کنند و شکایت ما را از طرق لازم پیگیری کنند. در صورت اعلام نیاز، مستندات لازم برای ضمیمه شدن به پرونده این شکایت را متعاقبا به عزیزانی که پیگیر شکایت خواهند بود ارسال خواهیم کرد.

ما خواهان اعمال فشار و گشودن پرونده علیه دولت ایران درباره نقض این حقوق کارگری هستیم؛

ما قویا خواهان پایان دادن به اعمال فشار به اسماعیل بخشی و خانم قلیان برای اعتراف اجباری مجدد و تعهدهای اجباری هستیم؛ ما خواهان آزادی بی‌قید و شرط اسماعیل بخشی و خانم قلیان و محکوم کردن پرونده‌های گشوده شده علیه آنها و نیز علیه آقایان علی نجاتی، محمد خنیفر و مهدی قلیان هستیم.

جمعی از کارگران هفت‌تپه - یکشنبه 22 بهمن 1397

تظاهرات

در دفاع از حق برخورداری از

خانه‌های اجاره‌ای مناسب!

یک مسکن مناسب که امکان پرداخت اجاره آن را داشته باشیم، حق مسلم ماست!

برای خیلی از جوان‌ها و مسن‌ها که درآمد بالا و یا سرمایه‌ای ندارند، خانه‌های اجاره‌ای تنها امکان برای داشتن یک مسکن امن است. اما برنامه‌ریزی‌های مسئولین و احزاب در قدرت، تشویق برای خریدن خانه است. آن‌ها تبلیغ می‌کنند که می‌توان مخارج را از درآمد کمک کرده و مالیات کم‌تری خواهید پرداخت. این سیاست دولت، برای ثروتمندان و سرمایه‌داران مناسب است، نه برای اکثریت جامعه!

سیاست دولت، فروش بیش‌تر اموال عمومی به بخش خصوصی و تعیین اجاره خانه‌ها با نرخ بازار است. داشتن مسکن به‌عنوان یکی از حقوق انسانی، به کالای بازاری تبدیل شده است!

شبکه دفاع از حق خانه‌های اجاره‌ای و انجمن مستاجرین روز دوشنبه 28 ژانویه 2019 ساعت 17.00 تظاهراتی علیه سیاست دولت در مورد مسکن فراخوانده است.

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد ضمن شرکت فعال در این تظاهرات، همگان را دعوت می‌کنیم که در این اعتراض و مبارزه شرکت نمایند.

ما خواهان حق برخورداری از مسکن با اجاره‌های مناسب برای همگان هستیم!

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد



جمعی از کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، با انتشار بیانیه‌ای ضمن ابراز نگرانی از شکنجه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان برای تکذیب گفته‌هایشان در فاصله دو بازداشت، خواهان ثبت و پیگیری شکایت از دولت ایران در سازمان جهانی کار و سازمان ملل متحد به‌خاطر سرکوب کارگران و اعمال شکنجه علیه آن‌ها شده‌اند.

به‌گزارش کانال مستقل کارگران هفت‌تپه، در این بیانیه خطاب به «کارگران، تشکل‌های کارگری، رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری در ایران و جهان» آمده است:

پازنشسته و عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، در دوره بازداشت تحت فشار قرار گرفت به‌نحوی که اکنون به‌طور اضطراری و با مرخصی پزشکی تحت مداوای قلب آسیب‌دیده خود است؛ همچنین چند تن از مدافعان کارگران هفت‌تپه، مانند آقایان محمدی‌فر و امیر قلی و خانم الهیاری کماکان در بازداشت و تحت فشار هستند.

در ادامه این بیانیه، آمده است: همگی می‌دانیم که اسماعیل بخشی نماینده ما کارگران هفت‌تپه و خانم قلیان از حامیان کارگری، در زمان بازداشت تحت شکنجه و فشار بودند. مقامات قضائی و امنیتی ایران به‌جای بررسی شکایت آقای بخشی و مجازات افرادی که وی را شکنجه کرده بودند، خود آقای بخشی را مجدداً دستگیر کرد و تحت فشار قرار داد و همین‌طور خانم قلیان که تنها قسمت‌هایی از آزار و اذیت انجام شده بر خود را بازگو کرده بود را نیز دستگیر کرد. ما مطلعیم که این دو نفر هم اکنون تحت فشار شدید هستند تا از آگاهی‌گری درباره شکنجه اعلام پشیمانی کنند؛ مطلعیم که در روزهای گذشته و در زمان بازداشت مجدد از آن‌ها خواسته شده تا آن‌ها به دروغ و به اجبار و جلوی دوربین اعتراف کنند که شکنجه‌ای در کار نبوده و به دروغ اعتراف کنند که تمامی این موارد توسط به اصطلاح معاندین و رسانه‌های مخالف نظام به آن‌ها دیکته شده بوده است. ما مطلعیم که در دوره بازداشت دوم و اکنون، آن‌ها تحت فشار شدید برای اظهار پشیمانی و سپردن تعهد نامه‌های مکتوب متعدد علیه خود هستند. مطلعیم که از سوی نهادهای مختلف قضائی و امنیتی علیه آن‌ها شکایت شده و اتهامات واهی جدید به آن‌ها زده‌اند. تمامی این موارد تنها و تنها برای خاموش کردن صدای حق‌طلبی و مبارزات مسالمت‌آمیز و قانونی ما کارگران هفت‌تپه و در راستای حمایت از دزدان و اختلاس‌گران انجام گرفته است. البته قابل ذکر است که ما به هیچ‌وجه از دفاع از این دوستان دست برنداشته و چنانچه تا روز چهارشنبه 24 بهمن، اسماعیل بخشی و خانم قلیان آزاد نشوند اقدامات دیگری را در دستور کار قرار خواهیم داد که متعاقبا در مورد آن اطلاع‌رسانی خواهیم کرد. کارگران هفت‌تپه در اطلاعیه خود، نوشته‌اند: بدینوسیله ما از تشکلات کارگری، رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری در ایران و جهان درخواست داریم، این متن ما را به‌عنوان شکایت ما نزد سازمان جهانی کار، تشکلات جهانی کارگری و سازمان ملل متحد ثبت و پیگیری کنند. شکایت ما مشخصاً به این علل از دولت ایران انجام می‌گیرد: نقض حقوق بدیهی کارگری توسط جمهوری اسلامی ایران و نقض حقوق اولیه‌ای مانند، تحصن،

از مبارزه و اعتصاب کارگران بنادر سوئد

برای حق شکل و حق عقد قرارداد دسته

جمعی حمایت کنیم!

در بنادر سوئد، کارگران یا عضو اتحادیه ترانسپورت که عضو سازمان سراسری ال او هستند و یا عضو اتحادیه کارگران بنادرند. اتحادیه کارگران بنادر در سوئد، سال 1972، شکل مستقل خود را تشکیل دادند و در سال 2016، اساسنامه خود را با دو بند اساسی تغییر و تصویب کردند، که اختلاف اساسی با دیگر اتحادیه‌ها دارد. یک بند در مورد دمکراسی اعضا است، در تمامی موارد، فعالیت‌ها و نوع مبارزه، اعضا تصمیم می‌گیرند و بند دیگر انتخاب مسئولین است، در اتحادیه کارگران بنادر هیچ استخدامی اتحادیه‌ای ندارند که بخواهند اعضا را نمایندگی کند، بلکه اعضا مستقیماً نماینده خود را برای مدت زمان معین انتخاب می‌کنند، فقط استخدامی در اتحادیه کسانی هستند که به امور اداری مشغولند. اکثریت کارگران بندر عضو اتحادیه بنادرند، اما کارفرما از آن‌جا که راحت‌تر و بدون دردسر می‌تواند با اتحادیه ترانسپورت به توافق برسد، سعی در نفع اتحادیه کارگران بنادر کرد و به اشکال مختلف از نوشتن قرارداد داد و دادن حق برخورداری از نماینده امنیت محیط کار و نیز برخورداری از حق زمان فعالیت اتحادیه‌ای برای نمایندگانشان در ساعت کار، به آن‌ها، سرپاز می‌زند. از این‌رو کشمکش بین اتحادیه کارگران بندر و کارفرما چند سالی در جریان است و هر روز حادثه می‌شود. دولت و حزب سوسیال دمکرات، در همراهی با اتحادیه ال او در این موارد به یاری کارفرما به اشکال مختلف عمل نموده است.



زمانی که حزب سوسیال دمکرات با احزاب راست و چپ کمکی‌اش توانست دولت را تشکیل دهد، و می‌خواهد جنبش کارگری را بی سلاح کند؛ کارگران بنادر با جلب همبستگی در میان کارگران برای مبارزه علیه سیاست‌های ضدکارگری فعال می‌شوند و با استقلال کامل از حقوق اعضا دفاع و برای شرایط بهتر مبارزه می‌کنند.

زمانی که بخشی از اتحادیه‌ها یا به دولت و یا حزب معینی وابسته هستند و منافع اعضایشان به حاشیه می‌رود و یا همراه و همکار کارفرمایان و صاحبان سرمایه هستند و مبلغین آشتی طبقاتی می‌باشند، اتحادیه کارگران بنادر متفاوت عمل می‌کند و منافع اعضا و طبقه کارگر را در اولویت فعالیت خود قرار داده است.

اتحادیه کارگران بنادر در عمل نشان می‌دهد که جنبش کارگری باید چگونه عمل کند، متحد، دخیل بودن اعضا در تصمیمات، فراموش نکردن منافع کارگران، مماشات نکردن با کارفرما و مبارز را پیشه کرده‌اند.

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد، کاملاً از اعتصاب کارگران بنادر سوئد پشتیبانی کرده و ضمن یاری رساندن مالی به آن‌ها، همگان را فرامی‌خواهیم که در این همبستگی طبقاتی با ما همراهی کنند و در حد توان به صندوق اعتصاب کارگران بنادر سوئد یاری رسانید. پیروزی کارگران بنادر، پیروزی طبقه ما است.

شماره حساب‌های صندوق همبستگی با اتحادیه کارگران بنادر سوئد، بدین قرار است:

”Konfliktfond” در حساب ارسالی قید شود
Swish: 123 132 1959
Bankgiro: 177-9750

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد
27 ژانویه 2019

آلترناتیو بعد از سرنگونی

جمهوری سرمایه داری اسلامی و چگونگی عملی شدن آن!



31 مارس 2019

Sveavägen 41 - ABF - Stockholm

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

روز چهارشنبه 23 ژانویه 2019 نزدیک به هزار عضو اتحادیه بنادر در سوئد برای چندمین بار دست به اعتصاب زدند. اعتصاب برای حق عقد قرارداد دسته جمعی و نیز رسمیت دادن به حق شکل است، حق متشکل شدن مستقل و نیز انتخاب نمایندگان خود برای دفاع از حق، حقوق و اهداف مشترک کارگران بنادر.

برای مقابله با اعتصاب، کارفرمایان با فراخوان به اضافه کاری برای مقابله به اعتصاب کارگران به میدان آمده و نیز فعالانه در مطبوعات علیه اعتصاب سخن سر میدهند. از تاثیرات منفی اعتصاب اشک تماش می‌ریزند و می‌گویند که اعتصاب باعث ضربه زدن به سوئد و نیز به هم زدن وضعیت بازار می‌شود. متأسفانه اتحادیه ترانسپورت با شکل پاسیو، نقش اعتصاب شکن را بازی می‌کند و نیاز به کار بیش‌تر را تبلیغ می‌کند.

زمانی که اتحادیه سراسری ال او و چند اتحادیه سراسری دیگر با اتحادیه کارفرمایان و دولت موافق به محدود کردن حق اعتصاب هستند، پدست اتحادیه کارگران بنادر اسلحه اعتصاب را در آورده و استفاده می‌کنند و در کمپین علیه محدود کردن حق اعتصاب در عمل همراهی می‌کنند.

پیام نامه سرگشاده اسماعیل بخشی

به دنبال اعتصابات و تظاهرات چند هفته ای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه که علیه خصوصی سازی و برای احقاق حقوق از دست رفته خود مبارزه می کردند، اسماعیل بخشی و همه اعضاء مجمع نمایندگان کارگران و پس از آن علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به شیوه ای خشن توسط نیروهای امنیتی دستگیر و در سلول های مخوف زندان های اهواز، شوش و اندیمشک زیر شدید ترین شکنجه بازجویی اداره اطلاعات و

امنیت جمهوری اسلامی قرار گرفتند. اسماعیل بخشی پس از 25 روز شکنجه های طاقت فرسا با مقاومت خود و حمایت کارگران، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان و همه اقشار زحمت کش جامعه با قرار وثیقه آزاد شد. اسماعیل بخشی پس از آزادی در اقدامی جسورانه با نگارش نامه ای سرگشاده به وزیر اطلاعات و دعوت از وی به مناظره پرده از درنده خویی بازجویانی برداشت که در این نظام اسلامی با پشتوانه

قوانین شرع و با اتکا به دستورات مذهب به طور مستمر شکنجه های جسمی و روحی شدید و مرگبار نسبت به معترضان و مخالفان و حق طلبان اعمال کرده اند و می کنند. این نامه از این جهت که به افشای سیاست های سرکوبگرانه رژیم اسلامی پرداخته است و شکنجه گران نظام سرمایه داری را به جامعه معرفی کرده است، اقدامی قابل تقدیر و شایسته پشتیبانی و پیگیری بی دریغ است. اقدام اسماعیل بخشی به افشای شکنجه جسمی و روحی و فشارهای امنیتی بر فعالان کارگری و سیاسی، در همان حال بیانگر ضرورت مبارزه سیاسی کارگران و موضع گیری این طبقه در مقابل دستگاه سیاسی قدرت حاکم است. هر کارگر پیشرو و حق طلب و همه عناصر پیشرو کارگری که پرچم مبارزه طبقاتی را برافراشته اند باید به این امر واقف باشند و بیاموزند که طبقه کارگر از مبارزه سیاسی گریزی نمی تواند داشته باشد. کارگران در روند مبارزه اقتصادی و معیشتی خود نمی توانند بدون به چالش کشیدن قدرت سیاسی حاکم که حافظ منافع سرمایه داران است به پیش روند و به منافع و حقوق خود دست پیدا کنند. مبارزه سیاسی و به زیر سنوال کشیدن مقامات حاکم، به ویژه مقامات امنیتی، انتظامی، نظامی و قضائی و منصوب کنندگان شان در بالاترین سطوح که مسنول اصلی تبه کاری ها، فساد و اختناق حاکم بر جامعه هستند باید جزء جدائی ناپذیر و گسترش یابنده ای از مبارزات کارگران باشد. یکی از نقاط قوت نامه سرگشاده اسماعیل بخشی به وزیر اطلاعات نه تنها افشای تبه کاری بازجویان شکنجه گر، بلکه افزون بر آن خواست پاسخگو بودن مقامات بالای امنیتی است. پیام نامه سرگشاده اسماعیل بخشی به مبارزان و به همه مردم، ساکت نمادند در برابر سفاکی های نظام حاکم و اعتراض بی باکانه به آن است.



مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه دستاوردهای مثبت مهمی داشت که مهم ترین آن ها نشان دادن قدرت همبستگی کارگران، اعتماد و تکیه کارگران به نیروی خود و اهمیت استقلال جنبش کارگری است. خواست های کارگران هفت تپه عبارت بودند از: پرداخت فوری و یکجای مزدهای عقب افتاده کارگران که کارفرمایان از انجام آن سرپیچی می کنند، خاتمه دادن به خصوصی سازی، آزادی کارگران و معلمان زندانی، به رسمیت شناختن تشکلهای مستقل کارگری و همبستگی با دیگر حرکات کارگری. این خواست ها هم محتوای اقتصادی و هم محتوای سیاسی دارند. درک ضرورت مبارزه هم در عرصه اقتصادی - اجتماعی و رفاهی و هم در عرصه سیاسی یک شرط مهم بارور شدن و تاثیرگذاری این مبارزات و تداوم آن هاست. انتشار نامه

سرگشاده اسماعیل بخشی تاثیر قابل ملاحظه ای بر جامعه نهاده است. بسیاری از شکنجه شدگان و ستم دیدگان ماشین سرکوب و شکنجه حاکم با این نامه احساس هم دردی و همزبانی کرده اند. این نامه همچنین ولوله ای در درون محافل مختلف حکومتی ایجاد کرده است. از یک سو فشارهایی برای تکذیب مفاد آن یعنی تکذیب شکنجه از سوی

ماموران امنیتی به اسماعیل بخشی و خانواده اش وارد می شود، از سوی دیگر، وزیر اطلاعات در شورای امنیت ملی وجود شکنجه در سازمان اطلاعات رژیم را به طور کلی منکر می گردد و در همان زمان یک پادوی گوش به فرمان مجلسی حکومت از «درگیری» اسماعیل بخشی به هنگام دستگیری با مأموران حرف می زند تا ضرب و شتم و شکنجه را توجیه کند. برای پایدار شدن اثر این نامه نه تنها حمایت پیگیر و بی دریغ از آن ضرورت دارد، بلکه باید به طور صریح بر ضرورت مبارزه سیاسی در حرف و در عمل تاکید شود زیرا که افشاگری دولت سرمایه داری در تمام وجوه آن و از جمله افشای دستگاه های سرکوب، شکنجه و ارباب جزء مهمی از مبارزه سیاسی طبقه کارگر است.

شکوفای باد مبارزه سیاسی کارگران علیه حاکمیت سرمایه داری!

کارگران پروژه های پارس جنوبی
کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام
فعالان کارگری جنوب
فعالان کارگری شوش و اندیمشک
جمعی از کارگران محور تهران - کرج

دی ماه ۱۳۹۷

Kargaran.parsjonobi@gmail.com



همبستگی کارگری مرزی نمی شناسد!

هزار تشکراز طرف اتحادیه کارگران بنادر!
در یک مدت زمان کوتاه صندوق اعتراض کارگران بنادر بیش از
یک میلیون کرون سوئد قوی ترشد!

جلیقه زردها در سوئد هم

متولد شدند!

GULA VÄSTAR

FÖR JÄMLIKHET

DEMONSTRATION

LÖRDAG 2/3

14.00

SERGELS TORG

- * FÖRSVARA STREJKRÄTTEN *
- * VÄLFÄRD UTAN VINST *
- * SÄNK POLITIKERLÖNERNA *
- * SEX TIMMARS ARBETSDAG *
- * AVGIFTSFRI KOLLEKTIVTRAFIK *
- * STOPP FÖR PRIVATISERINGAR *
- * MINSKA BARNGRUPPERNA *
- * STOPPA BESPARINGARNA I LSS *
- * INFÖR FÖRMÖGENHETSSKATT *
- * FÖRSVARA HYRESRÄTTEN *

//HELA KRAVLISTAN I EVENTET//

برای برابری

علاوه بر پیام‌های پشتیبانی و همبستگی‌های بی‌شمار از طرف
تشکل‌ها، بخش‌ها و کلوب‌های کارگری، بیش از 3600 پرداختی به
صندوق اعتصاب صورت گرفته است.

کارفرما که قصد خالی کردن صندوق اعتراض و مبارزه کارگران
بنادر را در سر داشت بدین شکل تو دهنی محکمی فقط در عرض
چند روز عایدش شده است.

سیل همبستگی با اعتصاب سراسری و کامل کارگران بنادر جاری
است.

علاقمند به پشتیبانی و حمایت از اعتصاب کارگران بنادر هستید،
می‌توانید برای پخش اطلاعیه با ما همراهی و همکاری کنید.

روز 6 مارس ساعت 00، 17 و در مقابل ایستگاه مترو هوتوریت و
در روز جهانی زنان، 8 مارس ساعت 00، 18 در هم‌له گوردن و
یا اگر در شهر و یا مکان دیگری هستید و یا زمان دیگری برایتان
مناسب است، می‌توانیم تعداد اطلاعیه مورد نیازتان را برایتان
ارسال کرده و یا با دریافت یک نسخه خودتان به اندازه مورد نیاز
چاپ و توزیع کنید.

شماره حساب‌های صندوق همبستگی با اتحادیه کارگران بنادر
سوئد، بدین قرار است:

Konfliktfond - در حساب ارسالی قید شود
Swish: 123 132 1959
Bankgiro: 177-9750

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد
3 مارس 2019

Iransk-svenska arbetarsolidaritetskommittén
isask@comhem.se

- * دفاع از حق اعتصاب
- * افزایش حقوق بازنشستگی
- * رفاه بدون تبدیل شدن به منبع سودآوری
- * جلوگیری از فرار پرداخت مالیات
- * کم کردن حقوق سیاستمداران
- * از میان بردن بی‌مسکنی
- * 6 ساعت کار در روز
- * کم کردن اجاره خانه
- * بستن مالیات به ثروت
- * بازسازی راه آهن
- * مجانی کردن حمل و نقل عمومی
- * حفاظت از آب و هوا
- * قطع کردن خصوصی‌سازی‌ها
- * حفاظت از کمک و خدمات به معلولین
- * کم کردن تعداد کودکان در گروه‌های مختلف برای
نگهداری بهتر
- * اشتغال کامل
- * قطع صرفه‌جویی از کمک به معلولین
- * مزد برابر برای زن و مرد
- * از میان بردن کامل فقر کودکان
- * از میان بردن پادشاهی
- * از میان بردن شرکت‌های اجاره دادن نیروی کار و
از میان بردن کامل استخدامی‌های غیر امن ...